

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هرمان پلویا
ترجمه و تلخیص: خ. طه‌وری
فرستنده: علی مشرف
۱۲ جنوری ۲۰۲۱

چنگ اندازی به اورآسیا- ۱۶

فصل شانزدهم پایانی

چشم انداز: جای ما در نظم نوین آینده

حالا چرا ایالات متحده آمریکا چنگ اندازی خود به اورآسیا را از شرق آسیا آغاز نمی‌کند؟

پاسخ ساده است: چین با ۱,۴ میلیارد شهروند و زیرساخت‌های مجهز خود مانع بزرگی ایجاد می‌کند. چین در این بین شبکه عظیمی از دوستان خود را در سطح جهان ایجاد کرده است. چینی‌ها از امریکائی‌ها آموختند. هرچه که خوب و معنی‌دار بود پذیرفتند و هرچه بی‌معنی و بد بود را فاکتور گرفتند. آن‌ها از فروپاشی اقتصاد دستوری کشورهای کمونیستی آموختند که نمی‌توان قیمت‌ها را به ضرب دستور تعیین کرد و شرکت‌ها و کارخانجات دولتی نیز باید بی هیچ دستوری کاملاً مستقل محاسبه و تولید کنند و با این

وجود آن‌ها هنوز بر پایه برنامه‌های ۵ ساله فعالیت می‌کنند و حزب کمونیست و همین‌طور ارتش انقلابی خلق هنوز وجود دارد. تصویر بزرگ مائو کماکان در میدان تیان‌من ناظر رفت‌وآمد مردم است. چینی‌های مدرن و سیر با کیف‌های پر از پول به عنوان توریست گرد دنیا در حرکتند و عرصه را بر توریست‌های اروپائی و امریکائی تنگ کرده اند.

چین برای خود جهانی مستقل است. چینی‌ها از این مبدأ حرکت می‌کنند که هریک از آن‌ها سلولی از ارگانیزم عظیم چین با ۵۰۰۰ سال فرهنگ و تاریخ است. برای آنان ۵ جهت جغرافیائی وجود دارد که پنجمی مرکز است و مرکز چین است و از آنجا مستقیم به آسمان ختم می‌شود. درست است. چین ۱۵۰ سال پیش با ضعف روبه‌رو شد ولی اکنون مجدداً با تمام قدرت حضور دارد و قدرتمندان جهان آنگلو امریکائی مجبور بودند هنگام ملاقات قیصر نوین چین «شی جین‌پینگ» همگی دور رئیس حزب بنشینند و به گفتار او گوش فرا دهند. به قول «گیدون راکمن» دانشمند علوم سیاسی انگلیس که در این ملاقات حضور داشت آقایان این وضعیت را تا حدی تحقیرکننده احساس می‌کردند و نیکسون در آن زمان که «هنری کیسینجر»، مغز متفکر ماهر و چابکش، مقدمات آمیزش نو با جمهوری خلق چین را فراهم می‌کرد، یادآور شد:

«احتمالاً ما بندهای فرانک‌اشتاین را گسستیم؟!» آری! ممکن است درست گفته باشد. به قول گوته در شاگرد جادوگر: "ارواحی که فراخواندم!"

چینی‌ها آزمایش‌های جنون‌آمیز خویش مثل جهش بزرگ به جلو و یا انقلاب فرهنگی را به قدری افراطی به اجراء گذاردند که در جهان بی‌نظیر بود. بی‌نظیر و هولناک. اگر امریکائی‌ها چین را به حال خود گذارده بودند شاید هنوز سرگرم آزمایش بوده و نیروی خویش را به هدر می‌دادند و با یک کاسه برنج در روز راضی و قانع بودند. چینی‌ها فاکتوری برای امید بشریت اند، زیرا تاکنون فعالیت‌های آنان عمیقاً متمدنانه و غیرنظامی بوده است. مسابقه تسلیحاتی و کشورگشایی‌های نظامی برای آن‌ها بیگانه است. امریکائی‌ها در حال حاضر برای ارتش خود ۸۰۰ میلیارد دلار پول صرف می‌کنند و مخارج جنگ‌های متعدد آنان سر به تریلیون‌ها دلار می‌زند. بودجه نظامی چین در این بین با ۲۱۵,۷ میلیارد دلار بشدت رشد پیدا کرده و به رتبه دوم در سطح جهان رسیده است. ولی به غیر از الحاق تبت، چینی‌ها تاکنون با ارتش خود به هیچ کشوری تجاوز نکرده اند و آنجا که امریکائی‌ها قاره شدیداً فقیر افریقا را با کماندوی جدید نظامی خود AFRICOM زیر فشار قرار می‌دهند، چینی‌ها با بنای ۴۵ استادیوم ورزشی و ۵۲ بیمارستان درخشیده اند. بدیهی است که این اقدامات مبین از خودگذشتگی چین نیست. برای این کار آن‌ها در land Grabbing «زمین‌خواری» مجذانه شرکت داشته اند و همه جا افراد خود را همراه دارند.

و آنجا که امریکائی‌ها در رویای تسخیر اورآسیا سیر می‌کنند، چینی‌ها از مدت‌ها پیش به طور گسترده در اورآسیا حضور دارند. آن‌ها با ابتکار «جاده و کمر بند» خود به کمک قطارهای مافوق سریع، اول زیرساخت‌های ارتباطی را آماده می‌سازند، که کالاها و مردم را ظرف ۲۰ ساعت از شانگهای به دویسبورگ (آلمان) منتقل می‌کند. علاوه برآن، کشورهای پیرامون چین در سازمان همکاری شانگهای تجمع کرده اند. در این سازمان که ۴۰٪ جمعیت کره زمین را نمایندگی می‌کند، زیرساخت‌های محیط اقتصادی اورآسیای نوین آماده می‌شود. تأمین مالی این پروژه بلندپروازانه به عهده بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا AIIB است که «شی‌جین‌پینگ» ۱۲۴ میلیارد دلار به عنوان سرمایه اولیه در اختیار آن گذارد.

و دوستان امریکائی ما؟

شما را به خدا، این چه وضعیتی است، که امریکا با آن روبه‌روست؟ آنجا یک رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد و از آن زمان امریکائی‌ها به جان یک دیگر افتاده اند. دونالد ترامپ ظاهراً از آن نوع سیاستمداران و روشنفکران استابلیشمنت که تاکنون بر صحنه حاکم بودند، نیست. بله، اغلب هنگامی که مردم زیاد از حد اعتماد خود را به استابلیشمنت از دست داده بودند، یک رئیس‌جمهور «خارج از خط» به پست ریاست جمهوری گمارده شد.

هری ترومن، جیمی کارتر، بیل کلینتن و یا بارک اوباما، آنگاه که مردم امریکا دیگر حاضر به تحمل سوسول‌های اتوکشیده استابلیشمنت نبودند، همگی از خارج استابلیشمنت انتخاب شدند. ولی آن‌ها قبلاً با دقت کامل از طرف خبرگان برجسته انتخاب و تربیت شده بودند تا بعد به دایره قدرت راه یابند. ولی اکنون یک میلیارد دلار خارج پست ریاست جمهوری را خریده بود. این فرد برای محفل واشنگتن قابل اعتماد نبود و همین‌طور محفل فراتلانتیکی آلمانی نیز مانند «هانس و گرتل» (از داستان‌های برادران گریم) در جنگل رها شده بود.

و در این بین جامعه آمریکائی با سرعت راکتی رو به اضمحلال می‌رود. بی‌خانمانی ابعاد وحشتناکی به خود گرفته و فقر روحی ظاهراً از فقر مادی پیشی گرفته است. در سال‌های اخیر موج نوینی از اعتیاد به مواد مخدر جامعه آمریکا را درنوردیده. پزشکان مجازند مواد مخدر بسیار قوی را نسخه کنند.

تعداد مرگ و میر ناشی از مشتقات افیون به طور چشمگیری افزایش یافته به طوری که حتی دونالد ترامپ وضعیت اضطراری بهداشتی اعلام کرده، هر چند که علیه آن تاکنون هیچ اقدامی ننموده است. به جای آن ترامپ با سیاست مالیاتی خود ثروتمندان را ثروتمندتر و فقراء را فقیرتر کرده است. هدف ترامپ نابودی دولت است. مغز متفکر سابق او «استیون بانون» عصاره غلظت یافته مرشدان رادیکال‌های بازار یعنی «فریدمان» و «موری روتبارد» بود.

در این بین ظاهراً ناکارائی تسلیحات آمریکائی برای انظار عمومی جهانی نیز آشکار شده است. واقعه‌ای که در تنگه مالاکا بین مالزی و اندونزی رخ داد بسیار عجیب بود. در نیمه شبی آرام و با دیدی بسیار خوب یک کشتی جنگی آمریکائی با یک تانکر برخورد کرد و آسیب دید. گویا ناو جنگی آمریکائی به طور خودکار هدایت می‌شد. روزنامه‌نگاران گمان داشتند که احتمالاً هدایت خودکار ناو به دست یک قدرت نظامی دیگر هک و تخریب شده بود که در واقع هشدار بوده است. ارتش آمریکا در این رابطه سکوت کرد ولی کشتی‌ها در منطقه برای مدتی لنگر افکندند و از حرکت افتادند.

آبروریزی بعدی حمله پهبادی به حوزه‌های نفتی عربستان سعودی بود. یمن بسیار فقیر ظاهراً با یک پهباد خودساخته توانست سیستم دفاع موشکی بسیار گران قیمت آمریکا را غافلگیر کند. در ابتداء باز رئیس‌جمهور ایالات متحده دم از «عملیات انتقامی» زد. به خاطر این آبروریزی در حوزه نفتی عربستان سعودی باید قیمت بنزین در اروپا بشدت افزایش می‌یافت. ترامپ از عربده‌کشی دست برداشت و ساکت شد و قیمت بنزین به حد بی‌سابقه‌ای تنزل پیدا کرد. ممکن است که کشورهایی چون روسیه و یا چین با دولت‌های مقتدر خود در این بین در رابطه با مسایل تسلیحاتی بر مجتمع صنایع نظامی خصوصی و شدیداً فاسد آمریکا برتری یافته اند. در این بین رئیس‌جمهور ترکیه اردو خان در مقام دومین قدرت نظامی ناتو، سلاح‌های مورد نیاز کشور خود را از روسیه خریداری می‌کند ...

حالا چگونه می‌توان از این وضعیت خارج شد؟

این‌که ایالات متحده هم‌اکنون به شدت در حال فروپاشی است، جای سرور و شادمانی نیست. زیرا {styleboxjp} عدم بصیرت آن‌ها در مورد فناپذیری کلیه امپراتوری‌ها می‌تواند سبب شود که این کشور در خلال تشنج مرگ، ما را نیز با خود به قعر گور بکشاند. به طور مشخص باید گفت آمریکا آنگاه که احساس کند که دورانش به پایان رسیده، می‌تواند ضربه اتومی اول را وارد کند. اما آن‌ها هنوز می‌توانند همه جا در کره زمین سیرک سیار تغییر رژیم خود را به راه اندازند. آن‌ها اخیراً باز ثابت کردند که می‌توانند دولت‌های چپ در برزیل، آرژانتین و بولیوی را سرنگون کنند و آن‌چنان هیبت‌های وحشتناکی چون «بولسونارو» را به جای آن‌ها به قدرت رسانند. این افراد در جنون «نرون» گونه خود به سر می‌برند و می‌توانند همه‌چیز را به آتش کشند.

کارهای زیادی در پیش است. ما باید قبل از این‌که تانک‌ها به سوی شرق به حرکت درآیند، از ناتو و از اتحادیه اروپائی خارج شویم. ابا ندارم که خواستار DEXIT (خروج آلمان از اتحادیه اروپائی) شوم. از آن‌چه که تاکنون به نگارش درآورده ام می‌توان براحتی دریافت که اتحادیه اروپائی جامعه‌ای نامشروع است که از بالا تحمیل شده و در واقع در خدمت منافع کنسرن‌های فراتلانتیکی و نه منافع مردم اروپا قرار دارد. ملیت به هیچ‌وجه یک پروژه بدنام دست راستی نیست. ملیت پوسته حفاظتی و جسمی است که در قالب آن مردم می‌توانند خواست‌های خود را بیان کنند. هر فرد

کوبائی، هر فرد ونزولائی و يا هر فرد امريكائى تعجب خواهد كرد اگر بگوئيم ملليت يك مقوله زنده دست راستى است.

ما بايد با كشورهايى كه برنامه و طرح‌هاى متمدنانه دنبال مى‌كنند، رابطه برقرار كنيم. ما بايد عاقبت از تاريخ پر رنج و عذاب خود عبرت بگيريم. ما در اروپاى مركزى فرهنگ زندگى مشترك، فرهنگ توجه و ملاحظه و انسان‌دوستى را به ارث برده ايم. ما موظفيم همواره اين ميراث شكوه‌مند را مد نظر داشته باشيم و از آن در مقابل تهاجم راديكال‌هاى بازار و نظامى‌گرى دفاع كنيم. و اين فرهنگ همبستگى و زندگى مشترك را با سعى تمام در نظم نوين جهانى كه در شرف وقوع است، وارد سازيم. جرأت كنيم خود را در مقابل بازيگران جديد در صحنه جهانى بگشائيم تا همگام با آنها دنياى جديد و بهتري بنا سازيم. رأى ما در جهان هنوز حساب مى‌شود. ما بايد جرأت و خلاقيت خود را مجدداً بيدار كنيم. آنگاه كه آموختيم به خود عشق بورزيم، قادر خواهيم شد باز ديگران را دوست بداريم و جهانى پر عشق و محبت بنا سازيم.

پايان

برای مطالعه این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه کنید:

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/ChangAndaziBeEuroAsia.pdf>